



از آخرین هفته فصل تابستون، حسابی لذت ببر

پیشنهاد خوندنی

پاستیل های بنفش

«پاستیل های بنفش»، اسم به کتاب خوندنی و جذاب درباره زندگی پسر کوچولویی به اسم «جکسون» هست که خانواده اش به خاطر بیماری پدرش، روزهای سختی رو پشت سر می دارن. اما جکسون از پدر و مادرش یاد گرفته که «در روبه روشن شدن با سختی های زندگی، دوره وجود داره؛ خوش بینی و امیدواری بآدمینی و ناامیدی» و جکسون انتخاب می کنه با تخیلات شیرین، تحمل دوره سخت بیماری پدر و فقر وی پولی خانواده رو برای خودش آسون تر کنه. «پاستیل های بنفش» به کتاب کوچولو و سبکه که می تونید دو سه روزه بخونید و تموش کنید. این کتاب رو که «کاترین اپلگیت» نویسنده اش و خانم «آناهیتا حضر تی» مترجمش هست، نشر معتبر «پر تال» منتشر کرده.



پیشنهاد خوردنی

سالاد میوه و بستنی

بیشتر ما بچه ها، وقتی پای خوردن پفک و چیپس و شکلات در میونه، اشتها داریم ولی تا اسم میوه میاد، بی میل و اشتها می شیم و این اشتباهه. خیلی خوبه که در آخرین هفته تابستون، سراغ یخچال برید و هر میوه تابستونی که توی یخچاله مثل: هلو، گلابی یا شلیل رو بردارید، هم میوه ها و هم دست هاتون رو بشوید و با احتیاط، میوه ها رو با برش های متوسط توی یه کاسه، خرد کنید. این ترکیب، اسمش سالاد میوه ست. اما اگه می خواید سالاد میوه تون رو هیجان انگیز تر کنید، می تونید کنارش کمی بستنی بذارید و یه قاشق بستنی بخورید و یه برش میوه!



پیشنهاد دیدنی

اسمورف ها در دهکده گمشده



کارتون اسمورف ها رو که دیدین؟ قسمت سوم این پویانمایی جذاب، همین تازگی ها وارد شبکه نمایش خانگی شده، پس فرصت رو برای دیدنش از دست ندین. ماجرای این قسمت از «اسمورف ها» از این قراره که یک روز برینی، کلامسی، هفتی و «اسمورفیت» برای گردش به جنگل می رن و اسمورفیت خیلی اتفاقی، یک راه مرور روی نقشه پیدا می کنه؛ راهی که اون ها رو به دهکده گمشده می رسونه. «گار گمال» بدجنس هم که از وجود این دهکده باخبر می شه، تصمیم می گیره قبل از اسمورف ها اون جا رو پیدا و شروع به خرابکاری کنه. اسمورف ها باید جلوی گار گمال رو بگیرن و قبل از اون به دهکده برسن. اما کی موفق می شه؟ اسمورف ها یا جادوگر بدجنس؟ باید کارتون رو ببینید تا بفهمید.

سلام

سلام دوستان مهربون من و داداش کوشا. امیدوارم حال و احوال خودتون و خانواده هاتون خوب خوب باشه، حال دل هاتون بهاری و آسمون دلتون رنگین کمانی. فصل تابستون کوله بارش رو بسته و داره می ره و پاییز هزار رنگ برگ ریز داره از راه می رسه. من و کوشا هم مثل بیشتر بچه های دیگه، این روزها مشغول تکمیل ثبت نام مدرسه و دوختن لباس فرم و خرید وسایل مدرسه ایم ولی کمک به بچه هایی که ممکنه هزینه خرید وسایل مدرسه رو نداشته باشن رو هم فراموش نمی کنیم. امروز، بعد از دو هفته، با صفحه فر فر و یک عالمه مطالب جذاب و خوندنی به خونه هاتون اومدیم. ما رو بخونید و به دوستانتون هم معرفی کنید. راستی! می تونید شبه آینده از حال و هوای اولین روز مدرسه، عکس بگیرید و عکس هاتون رو به آدرس تلگرامی @Zendegiisalam بفرستید تا چاپ بشه. مراقب خودتون باشید.



گیره مو فر فره ای

کار دستی

وسایل لازم: دو برش مربعی پارچه نمدی در دو رنگ، چسب مایع، گیره مو، قیچی ۱- هر دو مربع نمدی رو، مثل شکل (مثل وقتی می خوایم یه فر فره درست کنیم) برش می دیم. ۲- بعد، پارچه کوچک تر رو روی پارچه بزرگ تر قرار می دیم و هر دو رو، به شکل یه فر فره در میاریم. ۳- نقطه اتصال فر فره ها رو، چسب می زنیم و با یه گل تزئینی، تزئین می کنیم. ۴- فر فره پارچه ای رو، روی گیره مو می چسبونیم.



اجرا: ویکتوریا اعظم - عکس: صادق ذباح

چرا جای سگ، توی خونه نیست؟

قصه

یکی بود، یکی نبود. زیر گنبد کبود، توی یکی از محله های خوش آب و هوای شهر، یه خونه بود که سامان کوچولو و خانواده اش در اون زندگی می کردند. سامان، ۹ ساله بود و تقریباً هر روز، ساعت های زیادی تنها بود. چون هم تک فرزند بود و هم پدر و مادرش کارمند بودند. این بود که سعی می کرد با تماشای کارتون و بازی با قطعات لگو و کشیدن نقاشی و ساختن کار دستی و کتاب خوندن، سر خودش رو گرم کنه تا وقتی که مامان و بابا از سر کار برگردن. یه روز از روزهای تابستون که حوصله سامان حسابی سر رفته بود، با خودش فکر کرد چه خوب می شد اگه مثل بعضی بچه های توی کارتون های خارجی، یه سگ داشت تا با سگش بازی می کرد و گردش می رفت و خوش می گذروند! و این جور ی بود که اون روز و روزهای بعد، هی بیشتر و بیشتر به این موضوع فکر کرد. تا این که یه روز تعطیل که مامان و بابا خونه بودند، سامان باهاشون حرف زد و پاشو زد زمین که: «من می خوام توی خونه سگ داشته باشم! مامان و بابا با تعجب، به هم نگاه کردند و رو به سامان گفتند: «پسر م! اولاً ما مسلمان هستیم و بر اساس دستورهای دین اسلام، اگه از حیوانی مثل سگ توی خونه مراقبت کنیم، دیگه معلوم نیست لباس و فرش مون برای خوندن نماز پاک باشه. غیر از این، نگهداری از حیوان خانگی، نه تنها محبت به اون حیوان طفلکی نیست بلکه یه جور حیوان آزاری است؛ چون حیوان ها نیاز دارند در طبیعت آزاد و رها باشند و بازی و جست و خیز کنند. نه این که توی آپارتمان های کوچیک و تنگ و توی دست آدم ها گرفتار باشند. ولی اگه بازم اصرار داری، می تونیم بریم دیدن خانم دام پزشک که پزشک حیوان هاست تا اون، بیشتر و بهتر راهنماییت کنه.» سامان قبول کرد و همون روز، با مامان و بابا به کلینیک خانم دام پزشک رفت. خانم دام پزشک، وقتی ماجرا رو شنید، حرف های جالب و مهمی درباره این که «چرا جای سگ ها در خانه نیست» زد که کاملاً سامان کوچولو رو قانع کرد که سگ نداشته باشه. این ها حرف های دام پزشک مهربونه؛ بخونید. شاید جواب سوالات شما هم باشه:

* سگ ها نصف عمر خود را صرف بو کردن می کنند.

* برای بو کردن، پوزه خود را به زباله ها و مناطق غیر بهداشتی می کشند.

* صاحبان سگ ها، عادت ندارند به صورت مداوم دست های خود را بشویند.

* در آزمایش ها، میکروب های مدفوع سگ، روی انگشت و زیر ناخن صاحب آن پیدا شده است.



* نگهداری از سگ، خطر ابتلا به سرطان سلول های پلازما را چند برابر می کند.

* هاری، سالک، کیست، بیماری های انگلی و سایر بیماری های سگ ها، قابل انتقال به انسان است.

* سگ با همان بدنی که به زباله ها کشیده، به شما، خانه و اتاق خواب تان نزدیک می شود.

جوراب بازیگوش

شعر

شاید که زیر میز باشد، یا پشت در پهلوی دیوار
شاید که قایم کرده باشد، خود را درون جیب شلوار
قایم شده این دفعه شاید، اطراف یک ظرف سفالی
شاید کنار میل باشد، یا پشت پرده، روی قالی
هر روز قایم می شود او، در گوشه ای از خانه ای ما
قایم باشک را دوست دارد، جوراب بازیگوش بابا

شاعر: عفت زینلی

